

چند رباعی از سلمان ساوجی + زندگینامه

۱۱ خرداد ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۰۷

از وی علاوه بر دیوان قصاید و غزلیات و مقطعات، دو مثنوی به نام "جمشید و خورشید" و "فراقنامه" به جای مانده است.

خواجه جمال الدین سلمان ابن خواجه علاءالدین محمد مشهور به سلمان ساوجی در دهه اول قرن هشتم هجری در ساوه متولد شد. وی ابتدا در خدمت خواجه غیاث الدین محمد و سلطان ابوسعید بهادر خان بوده و پس از بر هم خوردن اساس سلطنت ایلخانان واقعی به خدمت امرای جلایر پیوست. دلشاد خاتون همسر شیخ حسن بزرگ نسبت به سلمان کمال توجه و محبت را داشت و تربیت فرزندش سلطان اوپس را به او واگذار کرد. وی در اواخر عمر منزوی شد و به زادگاه خود بازگشت و در همانجا در سال ۷۷۸ هجری قمری دار فانی را وداع گفت. از وی علاوه بر دیوان قصاید و غزلیات و مقطعات، دو مثنوی به نام "جمشید و خورشید" و "فراقنامه" به جای مانده است

رباعی شماره ۱

آمد سحری ندا ز میخانه ما
کای رند خراباتی دیوانه ما
برخیز که پر کنیم پیمانہ ز می
ز آن پیش که پر کنند پیمانہ ما

رباعی شماره ۲

ای آنکه تو طالب خدایی به خود آ
از خود بطلب کز تو جدا نیست خدا
اول به خود آ چون به خود آیی به خدا
کافرار نمایی به خدایی به خدا

رباعی شماره ۳

با باد، دلم گفت که بادا بادا

با یار بگو و هر چه بادا بادا
کآن کس که مرا ز صحبتت کرد جدا
شب با غم و رنج روز بادا بادا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۲۵۰/زندگینامه-ساوجیه-سلیمان-رباعیه-چند>